

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رجعت

یا
زنند سدره مدگان
پس از مرگ در دنیا

علی پوست شور

سرشناسه : پوست‌شور، علی، ۱۳۳۶ -
عنوان و نام پدیدآور : رجعت، یا، زنده شدن مردگان
پس از مرگ در دنیا/علی پوست‌شور.
مشخصات نشر : تهران: انتشارات مفید، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری : ۱۲۸ ص.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۵۴-۳۸-۰
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : رجعت
موضوع : رجعت -- جنبه‌های قرآنی
موضوع : رجعت -- احادیث
موضوع : آخرالزمان (اسلام)
بندی کنگره : ۱۳۹۳ ۲/۲۲۲۲ BP
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۴
شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۳۵۸۵۰



انتشارات مفید

رجعت

مؤلف: علی پوست شور

چاپ اول: ۱۳۹۳

چاپ: قلم‌گستر

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروف چینی: مفید کامپیوتر

همه حقوق برای ناشر محفوظ است

شابک: ۹۸۷-۹۶۴-۲۸۵۴-۳۸-۰

تلفن ۷۷۵۳۹۶۵۱ - ۰۹۱۹۵۸۳۸۷۹۹

قیمت ۵۵۰۰ تومان

ثواب این نوشتار:

به نیابت مولای مظلومان، حضرت مهدی علیه السلام

در دنیا و آخرت

در مظلومان، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
به جهنم:

دعا برای تعبیر فرج زندگان که مصلح جهان و
منتقم مستضعفان باشد؛ که رحمت کلی جهان خلقت،
بعد از ظهور موفور السرور حضرت مهدی عجل الله
تعالی فرجه الشریف است.



سپاس خدایی را سزااست که مردگان را زنده می‌کند، زندگان را می‌میراند و چیزی
از دستش خارج نشود.

پیامبران و اولیاء آنها را، بر همهٔ قبایل برتری داد و سپس مؤمنان را فضیلت
بخشید و این نعمت را به آنان داد.

برای خاتم پیغمبران شیعیان بالاترین گنجها را اندوخت، گزیده‌ترین فخر و
والا ترین مجد را خاص آن اولاد الهی و ولت حقّه ظاهری و سلطنت جهانی قاهری را
به آنان وعده فرمود.

پس تا قیامت، درود بر روان تابناک خیریت‌مند و خاندان معصوم (علیهم‌السلام) او
باد.

اللَّهُمَّ ارْنِي الطَّلَعَةَ الرَّشِيدَةَ^۱

پروردگارا! چشمان منتظر شیعیان را به استریشای
مصلح جهان، روشن بفرما.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:
 مَنْ مَاتَ وَ مِيرَاثُهُ الدَّفَاتِرُ وَ الْمَحَابِرُ
 وَ جَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ.

هر کس بمیرد و میراث او دفترها و
 محابرها باشد، بهشت بر او واجب
 است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يُدَوُّ الْعِلْمُ بِالْكِتَابَةِ.
 دانش خود را با بستن پایبند کنید.

فهرست

پیشگفتار ۱

۹ در بیان محمد صلی الله علیه و آله آل او باید تسلیم بود

پیشگفتار ۲

۱۲ احادیث ائمه علیهم السلام را نباید انکار کرد

پیشگفتار ۳

۱۶ مطالب دین را بدون دلیل معتمد باید تأمل نمود

پیشگفتار ۴

۱۹ دین را فقط از اهل بیت علیهم السلام یا از روایان حدیث آنها باید گرفت

پیشگفتار ۵

۲۲ در دوران غیبت کبری، نوشته‌های خود را حفظ کنید

فصل ۱

۲۴ رجعت، فطری جهان خلقت است

فصل ۲

۲۶ رجعت، در امت‌های گذشته

فصل ۳

۴۱ رجعت، در انبیای گذشته

فصل ۴

۵۱ آیاتی که دلیل بر رجعت است

فصل ۵

۵۸ دلایلی بر امکان رجعت

فصل ۶

۶۳ آنچه در امت‌های گذشته رُخ داده در این امت واقع خواهد شد

فصل ۷

۷۱ آیاتی که دلیل بر رجعت رسول‌الله و ائمه طاهرين علیهم‌السلام است

فصل ۸

۸۶ روایاتی در باب رجعت

فصل ۹

۱۰۹ نمونه‌هایی از رجعت در اسلام

فصل ۱۰

۱۲۱ نمونه‌هایی از رجعت پیش از زمان بن اسلام

پیشگفتار ۱

در برابر محمد ﷺ و آل او باید تسلیم بود

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ
سَلُّوا تَسْلِيمًا.

بدرستی که خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند، ای کسانی
که ایمان آورده اید! بر او درود فرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم فرمان
او باشید.

در ردّ بسیاری از طریق شیعه و اهل سنت رسیده، به صراحت
آمده است که صلوات «بر محمد» را به هنگام صلوات بر محمد ﷺ
بیفزایید.

از جمله: از رسول خدا ﷺ نقل شده است: «بر من صلوات ناقص
نفرستید.»

عرض کردند: صلوات ناقص چیست؟

فرمودند: این که فقط بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ».

ابن حجر که از علمای متعصب اهل سنت است در کتاب صواعق
المحرقة ص ۸۸ و حافظ جمال الدین زرنندی در معراج المومنین برگردان
از محمد بن ادریس شافعی (رهبر مذهب شافعی ها - یکی از فقه اهل
سنت) نقل نموده اند:

يَا أَهْلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ حُبِّكُمْ

فَرَضَ مِنَ اللَّهِ: فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ

(یکفیکم) کَفَاكُمْ مِنْ عَظِيمِ الْفَخْرِ (القدر)

إِنَّكُمْ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لَا صَلَاةَ لَهُ^۱

احادیث در فضیلت صلوات بر محمد و آل محمد («اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ») بسیار است؛ ولی مورد بحث در این جا نیست، نکته مهمی که از این آیه شریفه در اینجا مورد سخن است «سَلِّمُوا تَسْلِيمًا»

می باشد

در کتاب احتجاج از حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) روایت کرده که معنی «سَلِّمُوا تَسْلِيمًا» این است که قبول کنید فضل کسی را که پیامبر او را وصی خود قرار داد و خلیفه خود معین فرموده است.^۲

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند: وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا؛ یعنی در برابر مقام ولایت علویه و به نحو جابجاء نازل شده است، تسلیم باشید. ابن بابویه از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند که فرمودند: أَنَا عَلَى

الْمِيثَاقِ وَالْوَفَاءِ الَّذِي قَبِلْتُ حِينَ قَوْلِهِ - «أَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى»

من بر عهد و پیمانی که در عالم قبل از این دنیا (عالم ذَرّ) با خدای خود بستم، وفا دارم.^۳

شیخ کلینی در باب تسلیم از حضرت صادق (علیه السلام) روایت نموده که حضرت فرمودند: اگر جمعی خدای یگانه را بپرستند و نماز نهند، زکات

۱. تفسیر اثنتی عشری ج ۱۰ ص ۴۸۱.

ای خاندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله)! محبت شما از سوی خدا بر ما واجب شده است همانطور که قرآن تأیید کرده و محبت شما را بر ما لازم شمرده است. در بزرگواری و عظمت مقام شما همین بس که هر کسی در نماز درود بر شما نفرستد، نماز او مقبول پیشگاه خدای تعالی قرار نمی گیرد! (منظور صلوات در تشهد نماز است که جزء نماز است و اگر عمداً کسی بجا نیاورد - صلوات نفرستد - نمازش باطل است).

۳. تفسیر برهان ج ۳ ص ۳۳۴.

۲. تفسیر شریف لاهیجی ج ۳ ص ۶۵۸.

دهند، حج کنند، روزه بگیرند، ولی در مقابل کاری که خدا و پیامبرش ﷺ کردند، به نحو اعتراض بگویند: چرا چنین نکرد! به همین جمله مشرک شوند و سپس این آیه را تلاوت فرمودند: **فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا**^۱.

به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در احکامات تو را به داوری طلبند؛ و سپس از داوری تو، در دل خود احساس تسلیم کنند؛ و کاملاً تسلیم باشند.

و نیز از بسیاری از حکای انصاری نقل می‌کند که حضرت صادق (ع) فرمودند: هر کس دوست دارد ایمان کامل داشته باشد بگوید: رأی من در هر چیز، همان رأی ال محمد (ص) است، چه آنهایی که پنهان است و چه عیان و آشکار است، چه آنچه آگاه بودم و یا از آنها بی‌خبرم.

نتیجه آن که: (آیات و احادیث بر لزوم تسلیم در برابر پیامبر و خاندان پاکش ﷺ فراوان است.

نتیجه: از آنجا که در عوالم قبل از این پیامبر، نگار خود عهد و پیمان بستیم، که از محمد (ص) و خاندان معصومین (ع) سرپیچی نکنیم زیرا که آنان سفیران الهی برای تکامل موجودات‌اند. به حکم عبادت برای کمال و سعادت خود در هر حال و در هر مکانی و شرایطی باید از خاندان نبوت که به تأیید الهی مصون از خطا و هر گونه لغزش‌اند، اطاعت کنیم و تسلیم معنا، در دل خود احساس کنیم و تسلیم اوامر و نواهی آنان باشیم. زیرا آنان شاهد خلقت هستند، و بر همه چیز دانا هستند.

پیشگفتار ۲

احادیث ائمه اطهار علیهم السلام را نباید انکار کرد

حدیث از وارد تسلیم در برابر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام این است که تمایشات و احادیث آنان را انکار نباید کرد، اگر چه قابل فهم و درک مباحث زیر بیانان آنان برای تمام انسان‌ها و غیر انسان‌هاست، با توجه به تفاوت‌های زیادی که بین موجودات است، بیان شده است.

حدیث امام و حجت‌العلیّه علیه السلام ممکن است آن گونه ساده باشد تا عوام بفهمند، ولی ممکن است سطح مطلب و سخن معصوم بالاتر از این باشد که فقط خواص بفهمند و حتی ممکن است آن قدر کلام ملوکانه آنان رفیع باشد که فقط برای عده‌ای مخصوص دارای شرایطی ویژه و کمالاتی عالی، قابل فهم باشد. چون اینان علیهم السلام انسان‌ها نیستند و باید به قدر فهم همه و متناسب با آنان سخن بگویند شیخ کتبی در باب «حدیث‌های ائمه علیهم السلام سخت و دشوار است» از جابر بن عبد الله انصاری و او از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: «حدیث آل محمد علیهم السلام سخت و دشوار است، جز فرشته‌ای مقرب یا پیامبر مرسال یا بنده‌ای که خدا قلبش را برای ایمان آزموده باشد، نپذیرد. پس اگر حدیثی از آنها نقل شد و دلتان در برابرش نرم شد و توانستید تصدیق کنید بپذیرید، و اگر حدیثی را دلتان نگرفت و نتوانستید بپذیرید، به خدا و پیامبرش و امام و اگذار کنید و انکار نکنید، هلاکت آن زمانی است که

چنین حدیثی برای کسی نقل شود و بطور قطع بگوید: به خدا! این طور نیست، البته این انکار و کفر است.^۱

شیخ صدوق در مجلس اول از کتاب امالی خود، از شعیب حداد نقل می‌کند، گفت: شنیدم حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: حدیث ما سخت و دشوار است، به جز فرشته‌ای مقرب یا پیمبری مرسل یا بنده‌ای که خدا دلش را برای ایمان امتحان کرده باشد یا قلعه‌ای محکم، تاب تحمل آن را ندارد. گفتم: معنی علم چیست؟ فرمودند: «قلب مُجْتَمِع» یعنی دلی که از پیروی سستی و تردیدها، دچار اوهام باطل و خیال‌ها و شبهه‌های گمراه کننده، خالی باشد به این امراض هلاکت کننده قلب مبتلا نشده باشد. آری! جایگاه علم از خرد و رسالت، از عظمت و منزلتی برخوردار است که فقط خدای تبارک و تعالی با فتنه آنان است و اینان معدن و مخزن علم خدایند و حافظ اسرار الهی می‌باشند.^۲ و این حقیقت به تمام ممکنات و خلایق از دانی تا عالی - از ادنی تا غلی - تحت الثری تا فوق الثریا - از کمتر از ذره تا فوق ذره عرش - موجودات علوی نوری و مخلوقات سفلی خاکی و عناصر ناری و آتشی و سلسله و ملک و بشر و جتیان و شیاطین همه و همه فهمیدند و دانستند و منسوب به بارها، خداوند تکرار نموده و با زبان هر کدام از موجودات به آنان تهنیت گفته است که جایگاه مخلوق خاندان رسالت نزد خدای یکتا را احدی نتواند خنثی و ندارد و حق نزدیک شدن به آن قرق گاه الهی را ندارند و حتی طمع به آن در مقام و منزلت آنان را سزاوار کسی نمی‌باشد.

۱. همین حدیث را صفار در کتاب بصائر الدرجات نقل می‌کند.

۲. به زیارت جامعه کبیره نقل از امام هادی (علیه السلام) مراجعه فرمایید.

شبی حضرت موسی به شرف خطاب و کلام ربّانی نایل گردید. دید هر سنگی در طور سینا، زبانش به ذکر پیامبر خاتم، حضرت محمد ﷺ و جانشینان او گویاست. این معنی را به حق تعالی عرضه داشت. خطاب شد: ای پسر عمران، به درستی که من اینان را پیش از همه انوار آفریدم و آن را جایگاه اسرار خود قرار دادم که شاهد انوار ملکوت من هستند، آری، همین آنان خزانه علم و زبان حکمت و معدن بیت من می باشند و دنیا آخر را به خاطر اینان آفریدم.

حضرت موسی عرض کرد: بارالها مرا از امت او بدار، خطاب شد: هرگاه حضرت ممدوح و اوصیای او را شناختی و به فضیلتشان معرفت داشتی و به آنان اطمینان آفریدی، تو از امت او هستی.^۱

آری، همه هستی بنابر می شناسند حتی سنگ های کوه سینا و اینان ﷺ شاهد خلقت همه می باشند و همه را می شناسند و احادیث و سخنانشان جامع و کامل است. و ممکن است موجودات ضعیف که دارای ظرفیت کمتری هستند نتوانند درک کنند.

لذا انکار سخنان ائمه معصومین ﷺ را نه محمد کسی که بخواهد با عقل و ظرفیت خود درک کند و همین که مافوق این میسر شود - انکار خداوند بزرگ که خالق این خاندان پاک هستند، را نمی توان انکار خداوند برابر با کفر است.

۱. نقل از جامعه در حرم ص ۵۲۸ - معانی الاخبار ص ۱۰۸ - بحار الانوار ج ۲۶ ص ۳۲۱.

و چه بجاست فرازی از صلوات شعبانیه:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، اَلْفُكُ الْجَارِيَةِ، فِي

خدایا! درود فرست بر محمد (ص) و آلش که آنان کشتی دریای معرفتند و روان در

اَللَّجَجِ الْغَامِرَةِ، يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَهَا، وَ يَغْرَقُ مَنْ

در آن کایا هر کس بر آن کشتی در آید از غرق ایمن است و هر کس در نیاید بدریای

تَسْرِكَهَا، اَلْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ، وَ اَلْمُتَاَخِّرُ عَنْهُمْ

ملاکت غرق خواهد شد هر کس بر آنها تقدم جوید از دین خارج شود و هر کس از آنان عقب ماند

زَانِقٌ وَ اَلْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ لَأَحَقُّ، ۱

نابود گردد هر کس همراه آنان باشد ملحق به آنها خواهد شد

پیشگفتار ۳

مطالب دین را بدون دلیل محکم، نباید تأویل نمود

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ
مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ
ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ
كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ.

از سید محمد که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد، که قسمتی از آن، آیات «محکم» [= صریح و روشن] است؛ که اساس این کتاب می باشد؛ (و هر گونه پیچیدگی در آیه های دیگر، با مراجعه به اینها، برطرف می گردد.) و قسمتی از آن، «متشابه» است [آیاتی که به خاطر بالا بودن سطح مطلب و جهات دیگر، در نگارش این استعمالات مختلفی در آن می رود؛ ولی با توجه به آیات محکم، تفسیر آنها آشکار می گردد.] اما آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهات را دستنه انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند)؛ و تفسیر (نادرستی) برای آنها می طلبند؛ در حالی که تفسیر آنها را، جز خدا و راسخان در علم (که ائمه علیهم السلام) نمی دانند. (آنها که به دنبال فهم و درک اسرار همه آیات قرآن در پرتو علم و بشر الهی) می گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگار ما است» و جز صاحبان عقل، متذکر نمی شوند (و این حقیقت را درک نمی کنند).

در کافی امام باقر (علیه السلام) در معنای آیه فوق روایت کرده که حضرت فرمودند: مردمانی هستند که درباره قرآن و دین اظهار عقیده می نمایند بدون آنکه علم و دانش قرآن را دریافته باشند. تأویل قرآن را جز راسخون

در علم که ائمه علیهم السلام می باشند، نمی دانند.

عیاشی که از علماء و بزرگان شیعه است به سند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند: آیات قرآن دو بخش است: محکم و متشابه. اما آیات محکومات را ایمان به او داریم و عمل بر طبق آن انجام می دهیم و متدین به آن احکام هستیم و به آیات متشابه عمل نکنیم ولی ایمان به او داریم، زیرا از جانب خدا نازل شده تا بیان فرماید مقصود و مراد از آنها.

و بعد در کتاب کافی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمودند: مراد از «الکذیب» امیر المؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام بوده و منظور از متشابهات منافقان و غرض از «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ» اصحاب و دوستان منافقان و کفار و منافقان و کفار فرمودند: راسخون در علم، امیر المؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام هستند.

شیخ کلینی در باب «صفت علم» از امام صادق علیه السلام روایت نمود است که حضرت فرمودند: علماء وارث پیامبرانند، کسی که علوم خود را از چه کسانی فرا می گیرید که در هر طبقه ای در میان مسلمات علیهم السلام افراد عالی هستند که تحریف گزافگویان، و افترا و تهمت باطل گران، متأویل و برگرداندن جاهلان را از چهره دین پاک می کنند.

شیعه و سنی به سندهای زیادی روایت کرده اند که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی مرتضی علیه السلام فرمودند: یا علی! تو به تأویل قرآن می جنگی چنانکه من به تنزیل و صریح آیات قرآن جنگیدم.

جمعی از علمای شیعه از جمله سید رضی در نهج البلاغه و شیخ

طبرسی در اجتهاج از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل می‌کنند که در ضمن کلامی فرمودند: ... اکنون ما در اثر تحریفات و اختلافات، و شبهه‌ها و تأویلاتی که در دین پیدا شده، با برادران خود پیکار می‌کنیم.^۱

آری! آیات الهی و احادیث ائمه دین علیهم السلام را باید با دلایل محکم و آیات محکم تأویل و بیان نمود. خودسرانه، بدون علم؛ بی راهنمایی، راهنمایان دینی که امامان معصوم علیهم السلام و معلمین واقعی قرآن و دین هستند هرگز جایز نباشد و طریق گمراهی است که پایانش عذاب الهی و جاودانگی حواله به دوزخ است. در این زمینه احادیث فراوانی است. مسلمانان واقعی باید در این گوشه نشند که دین خود و فرزند و خاندان خود را از تحریفات تأویل گمراهی پاک و دورگردانند به برکت توکل به چهارده معصوم علیهم السلام.

۱. نقل از کتاب «الایقاظ من الهجعه بالبرهان علی المراجعة» تألیف شیخ محمد حسن خُرقانی. عاملی رضوان الله تعالی.

پیشگفتار ۴

دین را فقط از اهل بیت علیهم السلام یا از راویان حدیث
تَنان باید گرفت.

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ...^۱

بدینوسیله که دین پسندیده نزد خدای تعالی، اسلام است، فقط یکی
بیش نیست و اختلافی در آن نیست. بندگان خدا، مأمور به تسلیم در
مقابل خداوند بندگان خدا می‌باشند، در زمانهای مختلف این تسلیم به
تناسب درک و فهم بندگان خدا و موقعیت آن زمان متفاوت بوده است.
اسلامی که عبارت از تسلیم بندگان خدا در برابر حق است. اعم از این که «حق»
در مقام اعتقادات باشد یا در مقام عمل باشد.

به عبارت روشن‌تر: «اسلام» از تسلیمی است که بنده در برابر بیانی
که از مقام ربوبی صادر شده، چه در زمینه مآرِف و چه در باره احکام داشته
باشد. گرچه از لحاظ کمیت و کیفیت در ادیان گذشته اختلاف داشته
باشد. لکن واقع و حقیقت همه، یک موضوع بیشتر نیست. اختلاف بین
شرایع بر حسب کمال و نقص است نه بر حسب تضاد و تناسل پس همه
تسلیم خدا و اطاعت فرمان الهی بر طبق بیان پیامبران می‌باشد.
این چنین تسلیم و اطاعتی همانا دینی است که خداوند از بندگان
خواسته و برای آنان توسط حجت‌هایش بیان کرده است.^۲
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: اسلام را آن چنان معنی کنم که

۲. تفسیر المیزان در ذیل آیه مربوطه.

۱. آل عمران / ۱۹.

احدی پیش از من به این صورت معنی نکرده باشد.

اسلام: تسلیم شدن نفس است در امتثال و فرمانبرداری از اطاعت الهی. و تسلیم: یقین است که لازمه کمال تسلیم باشد به حقیقت و صدق تا محقق شود کمال انقیاد و تعظیم.

و یقین؛ تصدیق است، یعنی اعتقاد ثابت مطابق با واقع که حاصل می شود از برهان و دلیل قطعی.

و تصدیق: اقرار به خدا و پیامبرش ﷺ و امامان و جانشینان رسول خدا است. آنچه از جانب خدا آورده اند از احوال معاد و غیره.

مؤمن دین خود را از پروردگارش فرا می گیرد. به درستی که مؤمن: شناخته می شود با نشانه عمل او -

و کافر: شناخته می شود با کفارش به انکار او.

ای گروه مردم، ملازم باشید با خود را، مراقب دین خود باشید، به درستی که گناه در دین اسلام، کمتر از اطاعت در غیر دین اسلام است. زیرا که گناه در اسلام راه آمرزش دارد و در غیر دین و بندگی در دین غیر از اسلام، هرگز پذیرفته نخواهد شد، تا ثوابی بجا نیاید^۱.

شیخ صدوق در کتاب کمال الدین و شیخ طبرسی در کتاب غیبت و شیخ طبرسی در احتجاج به سندهای صحیح از حضرت صاحب الزمان علیه السلام نقل می کنند که در جواب سؤالهای اسحاق بن یوسف مرقوم فرموده بودند:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثَنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ.

و اما حوادث و اتفاقاتی که رخ می‌دهد، به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنان از جانب من بر شما حجت‌اند و من حجت خدایم.

پس مطالب دین اسلام از امامان معصوم علیهم‌السلام و در دوران غیبت کبری، از راویان حدیث اهل بیت علیهم‌السلام باید دریافت نمود.

در این زمینه احادیث بسیاری از جمله: ابن بابویه از عبدالله علوی و پدرانش از حضرت علی علیه‌السلام نقل می‌کند که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سه مرتبه فرمود:

خداوند! من را رحمت کن، پرسیدند: جانشینان شما کیانند؟ فرمود: آنجا که من از من بیايند، حدیث و سنت مرا یاد بگیرند و به امت من بیاموزند.

شیخ کلینی از عبدالله بن مسعود نقل می‌گوید: از حضرت صادق علیه‌السلام پرسیدم: دو نفر از شیعیان بر سر یک امر یا ارثی اختلاف و دعوی دارند، جایز است به دستگاه دولت بنی امیه به قاضی‌های آنان رجوع کنند؟

حضرت فرمودند: هر کس در دعوی حرام یا ظلم، قضاوت و حکم نهایی را بر محاکمه ظالم و طغیانگر ببرد و هر چه می‌بندد که بگیرد، به حرام گرفته، اگر چه حق ثابت او باشد - تا آنجا که (پرسیدم) من شنیدم پس به چه کسی مراجعه کنند) می‌فرمایند: بنگر هر کس از شیعیان به حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما نظر کند، و احکام را بشناسد و داری او تن دهید که من او را بر شما حاکم قرار دادم، آنگاه اگر به حکم ما حکومت کند و نپذیرفتید، به حکم خدا اهانت کرده‌اید و ما را رد نموده‌اید، و هر کس که رد ما کند، خدا را رد نموده و در مرز شرک به خدا است.^۲

پیشگفتار ۵

در دوران غیبت کبری، نوشته‌های خود را حفظ کنید

شیخ کلینی در کافی باب «روایت کتب و حدیث» از عبید بن زراره نقل می‌کند که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: کتابهای خود را حفظ کنید که بعداً به آنها محتاج می‌شوید.

و من از فضل بن عمر نقل می‌کند که گفت: حضرت صادق علیه السلام به من فرمودند: پیرس و در میان برادرانت منتشر کن و پس از مرگ آنها را به پسران خود بپاش ده، که دوره هرج و مرجی بیاید که مردم جز به کتابهایشان استیلا نکنند و راه دیگری برای فهم احکام دین نداشته باشند. و نیز از عاصم بن حماد نقل می‌کند که از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند: حدیث را بیسی که ننویسید حفظ نمی‌کنید. و همچنین از جمیل بن رباح نقل می‌کند که حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

حدیث‌های ما را با اعراب صحیح ضبط کنید که ما مردم فصیحی هستیم. یعنی اگر به اعراب آن توجه نشود به صاحب کلام و گاهی به معنایش ضرری وارد می‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر عضوی از اعضاء بدن را زکات می‌باشد و زکات دست نگارش علوم و مناقب است که مسلمانان از آن بهره‌مند گردند.

محدث قمی: در هنگام سفر بعد از غذا خوردن وقتی به شیخ می‌گفتم تا به بحث علمی بنشینیم، شیخ فوراً قلم و کاغذی می‌آورد و آماده نوشتن می‌شد، سپس می‌فرمود: شما می‌روید ولی این نوشته‌ها

می‌ماند.

آری! همین طور است.

و این مطلب اجماع علماء شیعه است که راویان حدیث، هر چه از ائمه علیهم‌السلام می‌شنیدند طبق دستور آنان می‌نوشتند و برای آیندگان یادگار و قیامات الصالحات می‌گذاشتند.



اینک به سبب رجوع به این پنج پیشگفتار، درباره زنده شدن مردگان پس از مرگ در این دنیا بحث عنوان «رجعت» که در لغت به معنی بازگشت است و مقصود از آن در مذهب شیعه بازگشت جمعی از نیکان و بدان - اخیار و اشرار، در دوران ظهور موفور علیه‌السلام برور حضرت مهدی علیه‌السلام و پس از ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام و سال‌ها پس از قیامت به دنیا خواهد بود. و این یکی از عقاید مسلم و ضروریات مذهب شیعه است.

راستی! حکومت حقّه الهیه و جلی سلطنت ربانیه و تبلور دولت رحمانیه، قیامت صغری است، و از این جهت است. چنانچه حضرت صادق علیه‌السلام فرمودند: روزهای خدایی سه روز است: روز قیام حضرت مهدی علیه‌السلام، روز رجعت و روز قیامت.

آری! روزهای خدایی دیدن دارد، که رحمان در میان آن مقام دادخواهی برمی‌آیند.

امید است خدای متعال لیاقت درک آن روزگار و دیدار آن سال عالم آرا یعنی امام همام را کرامت فرماید.

ان شاء الله تعالی

رمضان ۱۴۳۴ = تیرماه ۱۳۹۲

علی پوست شور

فصل ۱

رجعت، فطری جهان خلقت است

رجعت در لغت به معنی بازگشتن است. بازگشتن زنده‌ها، پس از مرگ، در همین دنیا رفتن از یک وطن و مراجعت به همان وطن.

رجعت و شبید: گردش شب و روز یک رجعت است که مرتب تکرار می‌شود.

روزهای شنبه: همه‌ها می‌آید و سپس شنبه فرا می‌رسد و این عمل در هر هفته تکرار می‌شود.

رجعت در گیاهان: در سال درختان در زمستان خشک می‌شوند و می‌میرند و دوباره با نسیم بهاری، دوباره سبز می‌شوند و شکوفه و میوه می‌دهند. زندگی را از نو، از سر آغاز می‌کنند و این رجعت برای درختی چندین بار تکرار می‌شود.

یک زائر و مسافر مشهد مقدس: برای رجعت و بازگشتن خود بلیط دو سره تهیه می‌کند. این یک رجعت است که در شهرش سفر می‌کند و دوباره به دیار قبلی خود باز می‌گردد.

نکته درس اخلاق: وقتی شخصی از کردارهای بد خود پشیمان می‌شود به سوی خوبی‌ها و رفتار شایسته برمی‌گردد یک رجعت از بدی به خوبی است. (پس توبه کنیم که توبه کردن پسندیده است).

ما باید مرتب از بدیها به خوبی‌ها رجعت کنیم تا در زمان ظهور